

ما و نظم جهانی پسا کرونا

دکتر محمد باقر قالیباف؛ دانشیار دانشگاه تهران

در عصری که سرعت پیشرفت علوم و فناوری‌های مختلف به حدّ اعجاب‌انگیزی رسیده، شیوع ویروس کووید-۱۹ که در مدت اندکی کل کشورهای جهان را درگیر و تا امروز نزدیک به یک میلیون نفر در جهان را مبتلا کرده به پدیده‌ای مهم و حیاتی تبدیل شده است که در صورتی که طولانی شود تأثیری ماندگار بر همهٔ ارکان نظم آینده جهانی خواهد گذاشت لذا تحلیل این پدیدهٔ مهم از زوایا و ابعاد مختلفی قابل طرح است اما از یک نگاه ژئوپلیتیکی به موضوع شیوع این ویروس میتوان به نکات ذیل اشاره کرد.

اول اینکه هرچند فرسایش نقش دولت‌ها از مهم‌ترین واقعیت‌های دوران حاضر است اما شیوع ویروس کووید-۱۹ نشان داد برخلاف آنچه برخی از پژوهشگران طی سال‌های اخیر در مورد کاهش نقش دولت‌ها و جایگزینی آنها با سایر بازیگران فراملی و فروملی و یا نیروهای اجتماعی صحبت کرده‌اند، در شرایط کنونی به وضوح روشن است که هنوز هم دولت‌ها، یگانه بازیگر اصلی برای حفظ امنیت و جان مردم خود هستند و شهروندان نیز در هنگامهٔ بحران همین نگاه را به دولت‌ها دارند و بیش از دیگران به دولت‌های ملی برای تامین امنیت خود وابسته هستند. ویروس کووید-۱۹ نشان داد که هرچند شاهد فرسایش نقش دولت‌ها در تعامل و رقابت با سایر بازیگران هستیم اما همچنان دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران ملی در نظر مردم هستند و هنوز حاکمیت دولت‌ها آنگونه که ایده‌آلیستها معتقدند به زباله‌دان تاریخ نرفته است. لذا به نظر می‌رسد در جهان پسا کرونا دولت قوی‌تر و مداخله‌گرتر خواهد شد و بخشی از مسئولیت‌های پیشین خود را بازیابی خواهد کرد.

دوم اینکه در شرایطی که روند جهانی شدن یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های دوران حاضر است اما فراگیر شدن ویروس کووید-۱۹ نشان داد که مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به یکدیگر بیش از گذشته می‌پیوندند و هیچ‌گیزی از این واقعیت نیست اما گسترش بحران ویروس کرونا نشان داد که قدرت فرآیندهای از پایین به بالا در پدیده جهانی شدن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. گسترش این ویروس از یک فرد در یک بازار محلی در یک استان

در کشور چین به سطح و مقیاس جهانی نشان داد که چگونه در همین شرایط جهانی شده، یک محیط جغرافیایی محلی در سطوح و مقیاس‌های مختلف از فردی تا جهانی می‌تواند اثرگذار باشد و نباید جهانی شدن را تنها فرآیندی از بالا به پایین دید. ویروس کووید-۱۹ نشان داد که هرچند جهانی شدن یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های دوران حاضر است اما همچنان باید به اهمیت محیط‌های جغرافیایی محلی برای تعامل یا تقابل با فرآیند جهانی شدن نیز تاکید کرد. این پدیده را با عبارت جهان محلی شدن هم می‌توان توصیف کرد که نشان می‌دهد روندهای از پایین به بالا می‌توانند به اندازه روندهای از بالا به پایین مهم شوند.

سوم اینکه هرچند با گسترش فرآیند جهانی شدن به ویژه در دهه اخیر، مرزها از بعد عینی و کارویژه‌هایش به شدت تضعیف شده بودند و دهکده جهانی بیش از هر زمانی برای توصیف جهانی با مرزهای کمرنگ شده ملموس بود اما با شیوع ویروس کووید-۱۹ دولت‌ها در اولین اقدام‌هایشان به تحدید عینی حدود مرزهای زمینی، هوایی و دریایی خود پرداختند و یکبار دیگر نقشه‌های جهانی با تفکیک معین و مشخص تر مرزها ملموس تر نیز شد. به عبارت دیگر کشورها برای حفاظت، حراست و پاسداری از امنیت جامعه، حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی را در کانون سیاست‌گذاری‌های خود قرار دادند و این مهم تنها با احیای معنا و مفهوم سنتی مرز به وقوع پیوست. ویروس کووید-۱۹ نشان داد که مفهوم سنتی و عینی مرز در جهان مدرن نه تنها اهمیت خود را از دست نداده بلکه همچنان کارویژه اصلی مرزها همان فاصله گذاری با دیگران است و دولت‌ها در تلاش برای «پس گرفتن قدرت کنترل» خود هستند.

در عین حال شیوع کووید-۱۹ باعث شد دولت-ملت‌ها بیش از گذشته به هویت‌های ملی خود اولویت دهند بعنوان مثال هر کشور اروپایی بیشتر از اینکه خود را در قالب یک اتحادیه کشورهای مشترک المنافع ببیند، هویت خود را در اولویت قرار داد و در صورتی که ابعاد بحرانی این بیماری بزرگ تر و زمان آن طولانی تر شود، می‌توان تصور کرد که در جهان پسا کرونا فرآیند فراملی شدن در قالب اتحادیه‌هایی مثل اتحادیه اروپایی دچار تغییرات مهمی شود. هیچ بعید نیست که تجربه ویروس کرونا کشورها را به این منطقی برساند که خلاف قواعد پیشین برای تأمین حداقل‌های

نیازهای معیشتی، بهداشتی و انرژی خود تولید در داخل کشور خود را در دستور کار قرار دهند. در نتیجه ممکن است در جهان پسا کرونا در فرایند جهانی شدن تغییراتی تاثیر گذار صورت گیرد.

چهارم اینکه هر چند با گسترش نظام سیاسی لیبرال دموکراسی در چند دهه اخیر، کارکرد و دخالت حداقلی دولت‌ها الگوی حکومت‌داری در برخی کشورها شده بود که بر اساس آن میبایست داور بی طرفی در جامعه باشند و تلاش کنند نقش حداقلی در تنظیم روابط و فعالیت‌ها در جامعه داشته باشند اما شیوع ویروس کووید-۱۹ و موفقیت نظام سیاسی چین در کنترل و ممانعت از فراگیر شدن بیشتر این ویروس در این کشور گسترده و پرجمعیت، جلوه‌های دیگر از دخالت‌های مثبت و حداکثری دولت‌ها به منظور افزایش کارآمدی را نشان داد. حتی کشورهای برخوردار از نظام سیاسی لیبرال دموکراسی قواعد حکمرانی پیشین بر این نظام را کنار گذاشتند و دولت حداکثری را در شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نمایش گذاشتند. در واقع، هنگامی که در غرب با تأکید بر نظریه پایان تاریخ گفته شد آخرین حد تلاش‌ها و مبارزات ایدئولوژی‌های مختلف در نهایت در قالب ایدئولوژی لیبرال دموکراسی سر برآورده است و نظام سیاسی بهتر و مناسب‌تری به عنوان جایگزین این نظام وجود ندارد، کرونا ویروس پرده از واقعیت دیگری در مدل حکمرانی کشورها برداشت و نقاط قدرت و ضعف نظام‌های گوناگون و از جمله لیبرال دموکراسی‌ها بیشتر مشخص گردید. ویروس کووید-۱۹ نشان داد که در مقابل کارکرد حداقلی دولت‌ها در نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی، کارکرد و دخالت مثبت و حداکثری دولت نه تنها الزاماً امری غیرمطلوب نیست بلکه در مواردی تبدیل به ضروریات حکمرانی مطلوب می‌شود. بنظر می‌رسد در جهان پسا کرونا مبانی نظام سیاسی لیبرال دموکراسی دستخوش تغییرات نظری خواهد شد.

پنجم اینکه شیوع ویروس کووید-۱۹ جلوه‌ای مهم از تبلیغات و پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای نظام‌های لیبرال دموکراسی را که در طول سال‌های گذشته برای خود هویتی پوشالی درست کرده بودند، نشان داد. هر چند در گذشته نیز برخی از صاحب‌نظران به تبلیغات عوام‌فریبانه با هدف گمراه کردن مردم به عنوان یکی از معایب عمده لیبرال دموکراسی پرداخته بودند اما بحران کرونا ویروس به شکل گسترده‌ای توانست پوشالی بودن ادعای رفاه، خدمات اجتماعی و بهداشت

عمومی و روانی برخی از کشورهای لیبرال دموکراتیک غرب را عیان کند و برای دنیا مشخص شد در پس تصویری زیبا که از این نظام ها ایجاد شده است، اشکالات ساختاری گسترده ای وجود دارد که نمی تواند برای نظام سیاسی دیگر کشورها الگوی ایده آلی محسوب شود. ویروس کووید-۱۹ نشان داد اینکه در آینده باز هم نظام های لیبرال دموکراسی بخواهند با ابزار تبلیغات گسترده و رسانه های مهاجم، به هر شیوه ممکن آرای اکثریت مردم را به دست آورند، قدرت تفکر و استدلال را از شهروندان بگیرند و رای فرد را از قبل در ذهن او پیوراندند، با سختی های فراوانی مواجه خواهد شد. این به معنای ایجاد یک بحران مفهومی بزرگ برای نظام های لیبرال دموکراسی غربی است و در جهان پساکرونا کشورها بدنبال الگوی اصلاح شده یا الگوی جدیدی از نظام سیاسی خواهند رفت.

و ششم تاثیری است که اقتصاد بحران زده جهانی بر دیگر عرصه ها خواهد گذاشت. اقتصاد به هم پیوسته جهانی در حال تجربه کردن اتفاقی جدید است که تاکنون با آن مواجه نشده است پدیده ای چندوجهی که هم مصرف و هم تولید را در چرخه معروف نظام سرمایه داری در تنش می بیند و به میزانی که این فرایند طولانی شود، تاثیرات بسیار گسترده ای بر ساختار نظام سرمایه داری جهانی خواهد داشت. روشن است که تغییر در ساختارهای اقتصادی جهانی، تاثیرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گسترده ای در نظم آینده جهانی خواهد گذاشت. آیا تجارت جهانی در ساختار قبلی باقی خواهد ماند؟ آیا جایگاه شرکت های چندملیتی جهانی با ترکیب قبلی ادامه فعالیت خواهند داد؟ آیا کشورها در تعاملات اقتصادی صرفا به منافع اقتصادی فکر خواهند کرد یا سیاست هایی را برای تاب آوری اقتصادی خود در نظر خواهند گرفت؟ آیا پیمان های اقتصادی همانند قبل عمل خواهند کرد یا پیمان های اقتصادی جدیدی با هویت و ساختارهای جدید شکل خواهد گرفت؟ آیا چین در رقابت تاریخی خود با آمریکا، می تواند تفوق کامل خود را به آمریکا تحمیل کند؟ بنظر می رسد جهان پساکرونا تاثیر بسیار زیادی از تبعات اقتصادی خواهد داشت.

چه باید کرد؟

بدون شک شیوع پاندمیک ویروس کووید-۱۹ صرفا یک چالش بهداشتی و پزشکی نیست و تبعات فراوان سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست محیطی برای جهان و ایران دارد. در سطح جهانی این پدیده، بی ثباتی

اقتصادی و اجتماعی را گسترش داده که در صورت ادامه دار بودن، به بی ثباتی ژئوپلیتیکی و درگیر شدن بیش از گذشته بعد بهداشت و سلامت این پدیده با ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی آن منجر خواهد شد. در کنار این، فرصت بسیار مساعدی برای تقویت حقوق بین الملل سلامت و یا تاکید بیشتر بر تدوین قوانین جهانشمول در حوزه بهداشت و سلامت پیشروی جهانیان قرار دارد. به نظر میرسد کم توجهی به این حوزه از موضوعات حقوق بین الملل در فراگیر شدن این بحران در شرایط حاضر بی تاثیر نیست. همچنین بحران کرونا ویروس نشان داد ابعاد مغفولی نیز در حوزه قدرت قابل تعریف و تبیین هستند از جمله بعد بهداشت و سلامت عمومی. چرخش مرکز ثقل قدرت از ابعاد سخت بیش از گذشته به سوی ابعاد نرم قدرت در حرکت است و امروزه در کنار صحبت از ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، ژئوکالچر و غیره، به نظر میرسد صحبت از ژئوهلت یا ژئوپولیتیک بهداشت نیز قابل توجه است و بعد بهداشت و سلامت عمومی نیز میتواند به قدرت یک محیط جغرافیایی منجر شود. آیا چین مثال خوبی نیست؟

در سطح ملی نیز ضرورت دارد تاکید شود تعهد دولتها در تأمین سلامت شهروندان آن کشور، تعهد به حداکثر تلاش دولت تعریف میشود و تعهد هر دولت به تضمین سلامت شهروندان خود نیز وابسته به نتیجه است که در واقع ریشه در فلسفه وجودی دولتها دارد. باید توجه کرد که امروزه تعریف دولت از اداره کشور بسیار وسیع و فراتر از امور روزمره بوده و کارآمدی دولت ها در مدیریت بحرانها معنا پیدا می کند... مساله ای که به طور مستقیم با اعتماد عمومی جامعه عجین است.

ویژگی های خاص جامعه ایرانی و نظام سیاسی ایران از جمله توان تاب آوری نسبی جامعه ایران که نتیجه ویژگی های خاص فرهنگی، سیاسی و تاریخ سیاسی و فشارهای چند ده ساله خارجی و فرهنگ بالای مردم ایران و وجود گروه های مردمی فعال و برخی دیگر عوامل است باعث توفیقات خوبی در عرصه مبارزه با بحران کرونا بود اما متأسفانه ضعف در برنامه ریزی قبل از بحران و سردرگمی استراتژیک در مدیریت حین بحران، از اصلی ترین چالشهای دولتهای ما از گذشته تا حال در مواجهه با بحرانها در تاریخ معاصر کشور بوده که در بحران کرونا ویروس نیز با آن مواجه هستیم. اینیک واقعیت مهم است که هر بحرانی به عملکرد دولتها و حکمروایی ها در قبل هر پدیده مربوط

است که اگر با ضعف در اتخاذ تصمیمهای قاطع و بزرگ برای مدیریت پدیده همراه شود، آثار بحرانی پدیده را شدت میبخشد. برای مدیریت بحرانهای بزرگ نیاز به تصمیمهای بزرگ داریم، تصمیمهای بزرگ هم نیازمند قاطعیت و عزم راسخ هستند. تزلزل در اجرای تصمیم، تصمیمها را سیاست زده می کند و تصمیمهای سیاست زده هر مدیریتی از جمله مدیریت بحران را با مشکل مواجه میکند. سرعت عمل و قاطعیت در بستن مرزها بروی کشورهای کرونایی تصمیم بزرگی بود که می توانست بسادگی از بحرانی شدن فضای کشور جلوگیری کند و اجازه ندهد این همه زحمت ایجاد شود یا کاهش شدید مراودات اجتماعی در قالب یک قرنطینه شدید، تصمیم بزرگ دیگری است که هرچند در اعمال آن تاخیر شد اما میتوان با بهره بردن از ظرفیتهای سازماندهی سیاسی فضا از فواید آن در سرکوب بحران کرونا استفاده کرد.

از سوی دیگر بحران کرونا باز هم نشان داد که الگوی حکومت داری نیمه متمرکز میتواند راهبردی کلیدی برای نه تنها حکمرانی بهتر در کشور باشد بلکه میتواند مدیریت بحرانها را نیز موفق تر نماید. تاکید دارم که تفکیک امور مربوط به تولى گری و امور مربوط به تصدیگری در الگوی حکومتداری نیمه متمرکز یکی از مهمترین الزامات بهبود امور کشورداری برای اداره بهتر کشور است. در شرایطی که میبایست دولت در امور حاکمیتی و ملی تولى گری نماید و امور تصدی گری مربوط به امور محلی و از جنس امور خدماتی رفاهی است که در زمره وظایف اصلی دولتها محسوب نمی شوند اما متأسفانه عدم تفکیک صحیح این امور در حکمرانی، سبب مشغولیت و افزایش نقش و حجم فعالیت دولتها و درنهایت ناکارآمدی شان می شود. چه میزان از ظرفیتهای ملی و محلی کشور در مبارزه با ویروس کرونا در عدم توجه به این موضوع از بین رفت؟ آیا با رویکرد نیمه متمرکز پدیده کرونا بهتر مدیریت نمیشود؟

اما نکته بسیار مهمی که نباید توسط اندیشمندان و مسئولین از آن غفلت شود این است که نظم جهانی پسا کرونا همانطور که ذکر شد دستخوش تغییراتی مهم خواهد شد و این فرصتی بزرگ برای کشور ما است که بتواند نقش خود را در این نظم آینده تعریف کند و بر آن تاثیر بگذارد. بوضوح روشن است که کشورهای موثر دنیا که توانسته اند با مدیریت حساب شده، بحران کرونا را مدیریت کنند، در حال تعیین نقش موثر خود در آینده این نظم جهانی

هستند. کمک های مفصل چین به کشورهای کرونا زده و اعزام نظامیان روسی به کشورهای عضو ناتو بعنوان مهمترین رقیب نظامی از جمله مصادیق این ادعا است. انقلاب اسلامی ایران در این مقطع زمانی باید بتواند با جدیت و سرعت بر این بحران داخلی فائق آید و سپس برای نقش آفرینی خود در جهان پسا کرونا برنامه ریزی کند.

خلاصه آنکه آنچه پیشبینی میشود این است که دیر یا زود کرونا ویروس کووید-۱۹ خواهد رفت اما اثرات این پدیده در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در جامعه جهانی ماندگار، باثبات و ادامه دار است. خواهیم دید که نظم جهانی پسا کرونا بسیار چالش برانگیزتر است و در درازمدت نظم جهانی تحولات ژرفی را به خود خواهد دید. در این زمینه آثار اقتصادی بحران کرونا نقش به سزایی در آینده سیاسی و اجتماعی نظم جهانی پسا کرونا خواهد داشت. آیا نظم جهانی که هم اکنون نیز شکننده و مستاصل است توان تحمل آثار بحران کرونا ویروس را دارد؟ پاسخ روشن است؛ نظم جهانی هر اندازه هم که باثبات و پیچیده به نظر برسد، در حقیقت بسیار ضعیف و شکننده است. نظم های جهانی نابود شده اند و نابود خواهند شد. نظم های جهانی گذشته در تاریخ بشریت نیز روزی مستحکم بودند و در ادامه ضعیف شدند. مهم این است که بدانیم عدم اطمینان عامل اصلی در فروپاشی نظم ها و ساختارهاست. امروز ما در شرایطی به سر میبریم که عدم اطمینان در نظم جهانی کنونی با پدیده ویروس کرونا به بالاترین حد ممکن خود رسیده است. تغییرات در معادلات سیاست بین الملل و جابجایی در مرکز ثقل قدرت های جهانی دور از دسترس نیست. آیا توزیع فضایی قدرت جدیدی برای اداره بهتر جهان در راه است و آیا ما در آن نقشی موثر خواهیم داشت یا صرفاً نظاره گر اتفاقات خواهیم بود؟